



کرامت زن در آیات قرآن و فقه مذاهب خمسۀ اسلامی و انعکاس آن در نگارگری مکتب تبریز صفویه

محمد رضا علی‌زایی^۱، مجید خزایی^۲ ID، میثم تارم^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. <mailto:mr.alizae@gmail.com>

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. <mailto:majidkhazaei@yahoo.com>

^۳ گروه استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بهنر کرمان، کرمان، ایران. <mailto:Taram@uk.ac.ir>

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۷

دوره ۱۹

صفحه ۴۰۱ الی ۴۱۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

کرامت زن،

نگارگری،

مذاهب خمسۀ اسلامی،

مکتب تبریز،

صفویه.

ارجاع به این مقاله

علی زایی، محمد رضا، خزایی، مجید، تارم،

میثم. (۱۴۰۱). کرامت زن در آیات قرآن و

فقه مذاهب خمسۀ اسلامی و انعکاس آن

در نگارگری مکتب تبریز صفویه. مطالعات

هنر اسلامی، ۱۹(۴۷)، ۴۰۱-۴۱۷.



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS)

[۱۰۰۱.۱](https://doi.org/10.22034/IAS)



dx.doi.org/10.22034/IAS

[۲۰۲۰.۲۵۲۸۰۶.۱۴۱۲](https://dx.doi.org/10.22034/IAS)

چکیده

زن در ادیان ابراهیمی دارای مقام و منزلت متفاوتی است. تردیدی نیست که تمام پیامبران، مدافع ارزش و مقام انسان از جمله زن و مخالف ظلم به او بوده‌اند، در دین مبین اسلام نیز تمام ویژگی‌ها میان مردان و زنان به صورت برابر بیان شده و این نشان‌دهنده استعداد و توانایی زنان در رسیدن به مراتب والای کمال و قرب الهی است. با توجه به این که زنان اغلب در جوامع مختلف بشری از شأن و حقوق واقعی خود دور مانده‌اند و حتی در برخی موارد شخصیت و منزلت انسانی آنان به طور کامل زیر پا گذاشته شده است، اما در طول دوران مختلف تاریخ بشریت به آن توجهاتی نیز شده و همواره سران حکومتی و اندیشمندان هر زمان در این خصوص اقدامات و قوانینی را وضع نموده‌اند. جایگاه و شخصیت زن در فرهنگ هر جامعه، نشان‌دهنده میزان اهمیت و منزلت زنان در آن جامعه است. هدف از این نوشتار درآمدی بر کرامت و مقام زن در مذاهب پنج‌گانه اسلامی از جمله حنفیه، حنبلیه، شافعیه، مالکیه و امامیه ایران است. سعی بر این است که آیات قرآنی و بعضی از دیدگاه‌های مهمی که نسبت به زن در این مذاهب وجود دارد با تطبیق بر حقوق موضوعه ایران بررسی شود. روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که حقوق و کرامت زن در جامعه ایرانی در قوانین جاری بر متون فقهی و آیات قرآنی تطابق دارد. در نگارگری مکتب تبریز نیز زنان به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی حضور دارند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی کرامت زن در آیات قرآن و فقه مذاهب خمسۀ اسلامی.

۲. درآمدی بر کرامت زن در مذاهب پنج‌گانه اسلامی ایران و انعکاس آن در نگارگری مکتب تبریز صفویه.

سؤالات پژوهش:

۱. زن در آیات قرآن و فقه مذاهب خمسۀ اسلامی چه جایگاهی دارد؟

۲. مقوله کرامت زن چه انعکاسی در نگارگری مکتب تبریز صفویه داشته است؟

مقدمه

زنان به عنوان نیمی از جامعه بشری و یکی از دو رکن پدیدآورنده بنیان خانواده، در طول تاریخ، دآوری های گوناگونی را دیده اند. نگاهی گذرا به تاریخ نشان می دهد که زن در بیشتر مقاطع و در بیشتر جوامع از نوعی محرومیت رنج برده است و حقوق انسانی او تحت سلطه مردان و فرهنگ مردسالاری نادیده گرفته شده است. این برداشت، اگر دقیق نباشد اما با آنچه رخ داده است یکسره ناسازگار نیست. چنانکه مانند این نادیده گرفتن حقوق را در مورد کودکان و نیز طبقات ضعیف اجتماعی نیز می توان مشاهده کرد. اگر بخواهیم علل تاثیر گذار بر حقوق زنان در جوامع بشری را به اجمال مورد توجه قرار دهیم، بخشی از آنها در زمره عوامل طبیعی و برخی در قلمرو شرایط اجتماعی و کارکردی جای می گیرد و بعضی به باورها و انگاره های فرهنگی بازمی گردد.

اسلام با ظهورش، غبار مظلومیت و ذلت را از این مخلوق الهی و شریک مرد در زندگی پاک کرد و به طرق مختلف کرامت ذاتی زن را آشکار ساخت؛ کرامت از جمله مفاهیمی است که در فرهنگ اسلامی و قلمرو حقوق اهمیت به سزایی دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. این مفهوم در لغت به معانی متعددی به کار می رود که از آن جمله می توان به حیثیت، عزت، شأن، مقام، منزلت و انسانیت اشاره کرد. کرامت به معنای گرامی داشتن و بزرگی و شرافت دادن است. مراد از کرامت و تکریم، شرافت و بزرگی بخشیدن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد؛ به این بیان که کرامت و تکریم معنایی نفسی است و کاری به غیر ندارد بلکه تنها شخص مورد تکریم منظور نظر است تا دارای شرافت و کرامت شود؛ مراد از کرامت انسان این است که انسان در میان سایر موجودات دارای خصوصیتی است که در هیچ یک از موجودات دیگر عالم نیست و آن، داشتن عقل است و معنای تفضیل آن است که در غیر عقل از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۳). قوانین موضوعه در جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه فقه امامیه اصلاح یا تدوین شده است.

با توجه به اهمیت کرامت زن در هر یک از مذاهب فوق و تطبیق آن با قوانین موضوعه ایران، در این پژوهش، نظرات حقوق موضوعه و مذاهب خمسسه که در واقع تکمیل کننده هم هستند، در خصوص جایگاه زن و مباحث مرتبط با آن بررسی شده است. در زمینه های پیش گفته، تحلیل، بیان و در نهایت مقایسه انجام شده است. لذا سؤال اصلی این تحقیق این است که جایگاه و منزلت زن از دیدگاه مذاهب خمسسه و حقوق موضوعه چیست؟ و این مسئله در نگارگری متب تبریز مربوط به دوره صفویه چه بازتابی یافته است؟

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، پژوهش هایی به بررسی مسائل مربوط به زن در این فرق مذهبی پرداخته اند. بهزادی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «احکام زینت زن از دیدگاه مذاهب پنج گانه اسلامی» به بررسی مسئله زینت به عنوان یکی از مسائل مربوط به زنان مسلمان پرداخته اند. در پژوهش ذکر شده، اشاره مستقیمی به جایگاه و ارزش زن از نظر فقه اسلامی نشده است لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده های منابع کتابخانه ای انجام شده است به این موضوع پرداخته می شود.

۱. کرامت انسان

کرامت از ریشه «کرم» گرفته شده است. انسان صاحب کرامت، به معنای کسی است که دارای اخلاق و افعال پسندیده باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ماده کرم، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «کرم»). اما صاحب التحقیق فی کلمات القرآن، معنای اصلی آن را عزت و تفوق در نفس شیء می داند که نقطه مقابل ذلت و خواری است (مصطفوی، ۱۴۱۶، ماده «کرم»). کرامت، گاهی به خود خدا نسبت داده شده: «أَفْرَأُ وَ رَبِّكَ الْأَكْرَمُ» (علق، ۳)، گاهی به فرشتگان: کراماً کاتبین (انفطار، ۱۱)، و گاهی به انسان: «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء، ۷۰).

کرامت انسانی به عنوان نوع خاصی از کرامت که مخصوص انسان بوده و دیگر موجودات از آن بی بهره اند؛ کرامتی است که جامع بین کرامت طبیعی و کرامت فراطبیعی و ملکوتی است. استاد جوادی آملی معتقد است تنها انسان می تواند میان ملک و ملکوت جمع سالم کند و به تمام معنا مکرم باشد. وی جنیان و فرشتگان را به دلیل فقدان چنین کرامت دو بعدی ای، شایسته خضوع در پیشگاه انسان مکرم می داند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۲۸). با این بیان، انسان تنها در صورتی برخوردار از کرامت است که به کرامت اکتسابی نائل شده باشد؛ در غیر این صورت از کرامت بهره ای نخواهد داشت.

۲. زنان در نگارگری مکتب تبریز

مکتب دوم تبریز در دوره صفوی ایجاد شد. در این میان هنرهای مختلف از جمله کتابت و نگارگری در سایه حمایت شاهان صفوی به اوج خود رسید. در نگارگری مکتب دوم تبریز همه چیز آکنده از حرکت و جنبش بود. رنگها درخشان و پرکشش است. پیکره های انسانی در دوره اول صفوی آدمیانی بلند قامت با تناسباتی کشیده اند. دستان کشیده با انگشتانی ظریف که در دنباله بازوانی ستبر ترسیم می شوند، با حرکات و اشارات خود سکوت و خاموشی را از مجالس نقاشی ها دور می سازند و نگاه مخاطب را در عرصه نقاشی هدایت می کنند. استفاده از ترکیب بندی های چند کانونی و گاه بر مبنای دایره، به کارگیری خط یا قلم گیری با توجه به ویژگی های هر قسمت از نگاره مانند کوهها و درختان. یکی از مشخصه های نقاشی مکتب تبریز دوران صفوی وجود علامت یا شکلی شبیه میله کوچک قرمزی است که روی عمامه ها نقش شده است. این علامت و عمامه های دوازده تریکی از نشانه های شیعیان دوازده امامی طرفدار شیخ صفی الدین اردبیلی بوده که در ابتدای دوران صفوی متدوال گردید (دادخواه، ۱۳۹۶: ۳۶). به نظر می رسد با توجه به درهم تنیدگی شرایط سیاسی و فرهنگی، آغاز حکومت صفوی منجر به رونق فضای فرهنگی و هنری کشور شد. این وضعیت در جای خود نقش مهمی در شکوفایی هنرهای چون نگارگری در این دوره داشت.

از همین رو زن جایگاه ویژه ای برای نگارگر شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/ ۱۵۴۰ م نیز داشته است؛ چراکه در اکثر نگاره ها حضور پررنگ زنان دیده می شود. در کمتر نسخه ای از شاهنامه های دوره صفوی حضور زنان تا این حد پررنگ دیده شده است. در تمامی این صحنه ها فقط از زنان درباری یا شاهزاده ها یاد شده است و از زنان کوچه و بازار خبری نیست. این زنان در مقام نازلی مثل کنیزک و همدم شاهزاده نمایش داده شده اند؛ بنابراین زن ها به واسطه خردمندی و سیاستمداری و تدبیر و نیکوکاری شان هم، در شاهنامه مطرح شده اند. در تاریخ دوره صفوی و همه زن ها به طبقه اجتماعی بالایی متعلق هستند. زن های درباری در نقش شاهدخت یا معشوقه شاه، همسر، مادر یا همراه شاه در جنگ به تصویر

کشیده شده‌اند. آن‌ها زنان معمولی نبودند و هر کدام دارای مقام و جایگاهی خاص در دربار بوده‌اند. همچنین، درون-مایه‌های تصویری، در نگارگری شاهنامه ۹۴۸ ه.ق/ ۱۵۴۰ م به عوامل زیادی مانند تحولات جامعه صفوی، جایگاه زن در آن دوره، نگاه فردوسی به زن و سنت نگارگری ایرانی بستگی دارد که در پروسه معنایابی این نگاره‌ها، باید به متون دیگری رجوع و ارتباط آن‌ها را مشخص کرد.

۳. جایگاه زن در قرآن و فقه مذاهب چند گانه و انعکاس آن در نگارگری مکتب تبریز دوره صفویه

واژه زن در فرهنگ فارسی، مادینه انسان، بشر ماده، جفت و همسر مرد (معین، ۱۳۸۰: ۱/۲، ۱۷۴)، نقیض مرد، مطلق فردی از افراد اناث معنا می‌دهد که در ادبیات پهلوی از زن به ژن و اوستا و هند باستان به جنی (jeny) یاد می‌شود (تبریزی، بی‌تا: ماده‌ز)، اما اینکه ریشه این واژه همان ژن در فرهنگ پهلوی است که با کاسته شدن دو نقطه آن بدین شکل درآمده است، احتمال بعید است؛ زیرا ژن در زبان پهلوی، معنای زشت و بد هیئت را می‌دهد (همان) و این مفهوم از یک با طبیعت و آفرینش و مقام انسانی زن و از سویی با فرمایش امام علی (ع) که فرمود: «زن گل بهاری است...» سازگاری ندارد (دشتی و محمدی، ۱۳۸۶). از این رو، می‌توان احتمال داد که این واژه از ریشه زینت که مفهوم آرایش و زیور را می‌دهد، اخذ شده باشد که در این صورت با خلق و طبیعت زن سازگار خواهد داشت. در اینجا به اهم توجهات آیات قرآنی به کرامت زن می‌پردازیم علی‌رغم این که یکایک آیات قرآنی خود در بردارنده درسی از دفتر زندگی بشر می‌باشد.

۳.۱. برابری زن و مرد در خلقت

در دیدگاه اسلامی، زن و مرد هر دو انسان، مخلوق و بنده خداوند سبحان و از لحاظ خلقت، دارای گوهر واحد انسانی هستند که از نفس واحده آفریده شده‌اند و مبدأ خلقت هر دو یک چیز می‌باشد. در قرآن کریم در چهار مورد اشاره شده که خلقت و آفرینش مردم (ناس = انسان)، از نفس واحده است و این می‌تواند زن و یا مرد باشد:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نساء/۱) ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام/۹۸) و خدا آن خدایی است که شما را از یک تن تنها آفرید.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف/۱۸۹) خدا آن کسی است که شما را از یک تن تنها آفرید. و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید.

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (زمر/۶) خدا آن کسی است که (همه) شما را از یک تن تنها آفرید. و همسرش را نیز از جنس او قرار داد.

۳.۲. عدم تبعیض در تکلیف و نیایش

قرآن کریم هدف از آفرینش را پرستش خداوند سبحان و رسیدن به کمال در سایه عبادت یاد کرده و فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) واژه «انس» در برابر جن آمده است و به طور یکسان زن و مرد را در برمی‌گیرد.

در نظام حقوقی اسلام زن و مرد هر دو قابلیت تکلیف دارند و به طور یکسان مورد خطاب برای تحمّل مسئولیت واقع شده‌اند و در نیایش و عبادت، وظایف و مسئولیت‌هایی برعهده آن‌ها نهاده شده است.

اگر در پاره‌ای از موارد برخی از وظایف و مسئولیت‌های سخت و زحمت‌آور از دوش زن برداشته شده، به این دلیل است که مایه رنج و زحمت برای او بوده، یا ناسازگار با جسم لطیف و توان و طاقت زنان می‌باشد؛ نظیر تأمین هزینه زندگی و یا مشارکت در جهاد مسلحانه و نظایر آن‌ها. چنین نگاهی به زن، یقیناً تکریم، احترام و مراعات حالت جسمی و روحی بانوان است؛ هرچند که راه مشارکت در جهاد به صورت داوطلبانه برای بانوان باز و بلامانع است، چنانکه در صدر اسلام زنان چنین مشارکتی داشتند (ابن هشام، بی‌تا: ۱۲/۱۹۷).

از این آیات به خوبی استفاده می‌شود که در نظام حقوقی اسلام، زنان از نظر تکالیف عبادی و مسئولیت‌های اجتماعی، کرامت و منزلت خاصی دارند که هرگز قابل قیاس با شأن و منزلت زن در گذشته نیست. در اسلام از مجازات یکسان برای زن و مرد سخن رفته است و در کیفر دادن جرم سرقت و ارتکاب زنا هر دو مورد خطاب واقع شده‌اند، چنان‌که در آیه‌های ذیل به آن اشاره شده است:

«وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده/۳۸) دست‌های مرد و زن دزد را قطع کنید.

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» به مرد و زن زناکار صد تازیانه بزنید.

در این آیات می‌بینیم زن و مرد در اثر ارتکاب جرم سرقت و اعمال منافی عفت کیفر یکسان دارند و تفاوت جنسیتی میان آن‌ها در نظر گرفته نشده است.

بررسی نگاره‌های مکتب تبریز دوره صفوی نیز نشان می‌دهد زن در این دوره در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضور پررنگی داشته است. تصویر شماره (۱) که مربوط به شاهنامه است، داستان زنی خردمند به نام قیدافه که پادشاه اندلس بود و جدال او با اسکندر را به تصویر کشیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

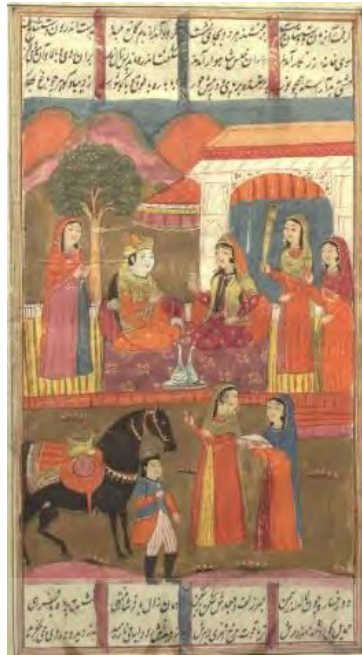


تصویر شماره ۱. نگاره اسکندر و قیدافه (شاهنامه ۹۴۸ ه. ق، کتابخانه ملی)

۳۳. مذاهب خمسہ و کرامت زن

مسلمنان بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) در اثر عوامل متعدد اجتماعی و غیر اجتماعی حاکم بر روحیات و افکار برخی از مسلمانان چه در صدر اسلام و چه بعد از آن، راه‌های مختلفی را به‌عنوان اسلام در پیش گرفتند. این فرق هر کدام راه خود را به‌عنوان اسلام تلقی کرده و آن را به‌عنوان حق پذیرفته و معرفی می‌کنند. در میان این راه‌های مختلف و متضاد برای اکثریت مردم ناآشنا و نامشخص گردیده و باعث حیرت و سردرگمی آنان شده است و نیز جامعه اسلامی نه تنها اتحاد و وحدت خود را از دست داده، بلکه گرفتار منازعات، مشاجرات و زد و خوردهای خونین شده و در مقابل دشمنان توانایی و قدرت خود را تضعیف کرده‌اند.

در نگاره‌های مکتب تبریز نیز زن دارای کرامت به تصویر کشیده شده، برای نمونه در تصویر شماره (۲) که مربوط به ماجرای ازدواج زال و رودابه است، زال ابتدا به شکلی محترمانه درخواست خود را با شخص رودابه مطرح در میان می‌گذارد. در این نگاره، زنان حضور پررنگی در محل زندگی رودابه دارند و آزادانه در رفت و آمد هستند که این مسئله در نوع خود شاهدهی بر ترسیم نقش زنان در دربار است.



تصویر شماره ۲. نگاره زال و رودابه (شاهنامه ۹۴۸ ه.ق، کتابخانه ملی ایران)

۳۳۱. زنان و نماز جماعت

با وجود کثرت جمعیت زنان در جامعه و حضور جدی آن‌ها در مراکز گوناگون آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، پژوهش‌گران کمتر به این مسئله پرداخته‌اند و گاه فقط در حد یک استفتا و پاسخ به آن بسنده شده است. در ادامه با استفاده از منابع فقهی به تبیین اهمیت مسئله و آثار آن، همچنین دیدگاه مذاهب اسلامی و دلایل آن‌ها می‌پردازیم.

اصل مستحب بودن نماز جماعت در فرائض جای تردید نیست، بلکه از ضروریات دین است (نجفی، ۱۴۱۲: ۵/ ۳۰۵). بسیاری از فقهای شیعه این عبارت را در مورد بانوان دارند «نماز زن در منزلش با فضیلت‌تر است از نماز او در مسجد» (حلی، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۲۳۸؛ القمی، ۱۴۱۸ق: ۲/ ۲۱۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق: ۱/ ۶۰۰)، ولی علامه حلی با توجه به فضیلت جماعت و تأکید بر آن، شرکت زنان را در جماعت با وجود حائل میان مردها و زنها جایز می‌شمارد و آن را با این روایتی از امام صادق (ع) که سؤال شده که: «امام جماعتی یا گروهی نماز می‌گذارند، پشت سر آن‌ها خانه‌ای است، آیا زنها می‌توانند در آنجا پشت سر وی نماز بخوانند؟ امام فرمودند: بلی، در صورتی که جایگاه امام جماعت پایین‌تر از زنان باشد» (حلی، ۱۳۳۳ق: ۱/ ۳۶۵) همچنین وی می‌فرماید: «علمای ما اجماع دارند بر این که مستحب است، زنها نمازش را به جماعت در مسجد بخوانند هر چند مرد همراه آن‌ها نباشد» (حلی، ۱۴۱۴ق: ۴/ ۲۳۶-۲۳۷).

اکثر فقهای اهل سنت این حدیث نبوی (ص) را محور بحث خود نسبت به حضور بانوان در مسجد و جماعت قرار داده‌اند: «صلاه المرأه فی دارها افضل من صلاتها فی مسجدها» (کاشانی، ۱۴۰۹ق: ۱/ ۲۷۵)، ولی در برداشت و

استنباط از آن تفاوت‌هایی دیده می‌شود. ابن حزم اندلسی (ظاهری) نماز زن در مسجد و جماعت را زیر عنوان این فرمایش رسول خدا (ص) «إِنَّ صَلَاةَ الْجَمَاعَةِ تَفْضَلُ صَلَاةَ الْفَذِّ بَسِيعٍ وَ عَشْرِينَ دَرَجَةً» قرار داده، می‌گوید: «برای ولی زن و مولای کنیز حلال نیست که آن‌ها را از حضور در مسجد برای جماعت منع نمایند، البته اگر برای اقامه نماز بدون آرایش بروند، در نتیجه نماز زن‌ها در جماعت افضل است از نماز انفرادی» (اندلسی، بی‌تا: ۳/ ۱۲۸).

۳،۳،۲ حضور زنان در تشییع جنازه

کفن و دفن و نماز میت مسلمان نزد همه فرق اسلامی واجب کفایی است (الجزیری، ۱۴۱۹ق: ۶۷۹) اما تشییع جنازه یا به تعبیر منابع فقهی اهل سنت «اتباع الجنائز» در مجموع بر مسلمان، سنت و یا مستحب است (الجزیری، ۱۴۱۹ق: ۶۷۷؛ نجفی، ۱۴۱۲: ۱۵۱/۲) اما این که حضور بانوان در این مراسم جمعی چه حکمی دارد، شایسته است دیدگاه‌های هر دو مکتب جداگانه بررسی گردد.

نظر بیشتر فقهای مکتب اهل البیت (ع) بر پایه روایت امّ عطیه که گفت: «نُهینا عن آتباع الجنائز و لم یعزم علینا» شرکت بانوان را در تشییع جنازه مسلمان، اعم از این که مرد باشد یا زن، مکروه است (حلی، ۱۴۱۴ق، ۲/ ۵۵؛ حلی، بی‌تا، ۲۶۱/۲؛ شهید اول، ۱۲۷۲، ۵۳؛ نجفی، ۱۴۱۲ق، ۲/ ۱۵۶، ۱/ ۱۸۷). این روایت و روایت نبوی دیگر که رسول‌الله (ص) به زن‌هایی که منتظر آماده‌شدن جنازه بودند فرمود: «إِرجِعنَ مَأزوراتَ غیرِ مَأجورات» (قشیری، ۱۴۰۷ق: ۱۴۲) برگردید، کمک کردید در حالی که اجری نبردید، هر دو هم در منابع اهل سنت (البخاری، ۱۴۱۰ق: ۲/ ۷۸ و ۱۸۶/۶) و هم در منابع اهل تشیع، (حرّ العاملی، ۱۴۱۴ق: ۱/ ۱۳۹ و ۲۳۹) بازگو شده است. از این‌رو، امام خمینی (ره) در این خصوص می‌گوید: «اولی است زنان شرکت در تشییع جنازه را حتی جنازه زن، ترک نمایند و بعید نیست که برای بانوان این امر مکروه باشد» (خمینی، ۱۴۱۶ق: ۱/ ۷۱).

فقهای مدرسه اهل سنت (حنفی‌ها) براساس دو روایتی که بازگو شد و روایات دیگر در مجموع، حضور زنان در تشییع جنازه را مکروه دانسته‌اند (نووی، بی‌تا: ۵/ ۲۷۷؛ ابن قدامه، بی‌تا، المغنی: ۲/ ۳۶۶) اما مالکی‌ها گفته‌اند اگر زن مسن باشد می‌تواند در تشییع جنازه بستگان خویش حضور یابد و در غیر این صورت، خارج شدن وی مطلقاً جایز نیست (غرناطی، ۱۴۲۳ق: ۱۱۸). بنابراین، نتیجه این خواهد بود که صاحب‌نظران امامیه حضور زن را در تشییع جنازه، جایز ولی مکروه می‌دانند و فقهای اهل سنت آن را در صورتی که این حضور، فتنه ایجاد نکند کراهت و یا مکروه تحریمی یا حرام (حنفی‌ها) می‌دانند و در غیر این صورت محکوم به حرمت است.

۳،۳،۳ مشارکت زنان در امر جهاد

شرکت در جهاد و دفاع از هویت اسلامی ولی، یکی از مصادیق تکریم زنان و از عرصه‌هایی است که مربوط به همه مسلمانان است و این که سنگینی و بار اصلی دفاع، مبارزه، ایثار و فداکاری و گذشت از مال و جان، به عهده مردان و جوانان گذاشته شده تردیده نیست. اما سؤال این است که زنان جامعه در این امر جمعی چه نقشی دارند؟ آیا زنان، تکلیف شرعی حضور در جبهه‌های جنگ را دارند یا نه؟ اگر ندارند، آیا از پاداش و اجر معنوی آن محروم نمی‌گردند؟ و

این تبعیض نیست؟ پاسخ این پرسش‌ها شاید فرصت بیشتر و پژوهش افزون‌تری را بطلبد، ولی نویسنده در این فرصت از دیدگاه دو مکتب بسنده می‌کند.

در منابع روایی و فقهی مکتب اهل‌البیت (ع) تکلیف جهاد به همه انواع آن، از بانوان برداشته شده و آنان را مکلف به امر جهاد نمی‌دانند (نجفی، ۱۴۱۲ق: ۷/۴۹۳؛ الحر العاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۳/۱۵) و یکی از شرایط وجوب جهاد، مرد بودن محسوب شده است (نجفی، ۱۴۱۲ق: ۷/۴۹۲؛ الروحانی، ۱۴۱۳ق: ۲۶/۲). هرچند که در اصل جهاد خانم‌ها شریک مردان هستند، ولی نوع جهاد زنان با نوع جهاد مردان متفاوت است؛ در روایات شیعی این عنوان به چشم می‌خورد: «کتب الله الجهاد علی الرجال و النساء...؛ خداوند جهاد را بر مردان و زنان واجب کرده است». اما جهاد مردان آن است که مال و خونس را بذل نماید تا در راه خدا به شهادت برسند. «و جهاد الرجل أن يبذل ماله و دمه حتى يقتل فی سبیل الله»، ولی جهاد زن مقاومت و تحمل سختی‌های رسیده از شوهر و ابراز عطف است. «و جهاد المرأه أن تصبر علی ما تری من أذی زوجها و غیرتها» (کلینی، ۱۴۰۵ق: ۵/۹).

در منابع فقهی اهل سنت نیز، تکلیف کفایی جهاد زن برداشته شده است (غزالی، ۱۴۲۶ق: ۳۸۱). حنفی‌ها از آن جهت که زن از یک‌سو بنیه ضعیف دارد و از سوی دیگر، اجازه شوهر شرط است، زنان را اهل قتال و جنگ نمی‌دانند، مگر اینکه شوهر و محرم وی او را همراهی نماید (صاغر جی، ۱۴۲۶ق: ۲/۳۷۰) ولی حنبلی‌ها با این که مرد بودن را شرط جهاد می‌شمارند، می‌گویند: «در صورتی که دشمن به مسلمانان صدمه وارد نماید جهاد بر زنان و عیدها نیز واجب می‌شود» (همان: ۱۶۷/۲).

اینکه اهل سنت برای زنان در سطح وسیع‌تر به‌ویژه در امور خانه‌داری و شوهرداری، چه نقشی قائلند؟ به نظر می‌رسد سطح توجه عالمان اهل سنت نسبت به زن در مقایسه با نگاه عالمان شیعه، کمتر و بی‌مهرانه است، یعنی می‌شود پیرامون این حدیث پیامبر (ص) (جهادُ المرأه حُسن التَّبَعْلِ) تاملی بیشتر کرد و نقش را در امور شوهرداری و خانه‌داری برجسته ساخت، ولی منابع اهل سنت به جای آن، روی گفته عایشه تکیه و در همه منابع به آن پرداخته‌اند که گفت: «من از رسول خدا اجازه جهاد خواستم، حضرت فرمود: جهادُ کُنَّ الحُجَّ؛ جهاد شما حج است» (البخاری، ۱۴۱۰ق: ۳/۳۲۰).

این وظیفه سنتی زن یعنی خلنه‌داری، پرورش فرزندان، در نگاره‌های مکتب تبریز مربوط به دوره صفوی نیز دیده می‌شود. در تصویر شماره (۳) به مسئله زن و نقش او در فرزندآوری توجه شده است.



تصویر شماره ۳. نگاره به دنیا آمدن رستم (شاهنامه ۹۴۸ ه. ق، کتابخانه ملی).

۳،۳،۴. مشارکت زنان در عرصه‌های علمی، آموزشی و شغلی

مهم‌ترین و پرحاشیه‌ترین موضوعی که در شرایط فعلی در مجامع فرهنگی - دینی و علمی و حتی بین‌المللی مطرح است، حضور زنان در مجامع علمی و شغلی و ... است. طرفداران محدودیت زن، حضور بانوان را با توجه به عوارض آن، غیر اخلاقی و حتی غیر شرعی می‌پندارند، از آن سو گروه مقابل، مشارکت زنان را در عرصه‌های مختلف علمی و کاری بدون قید و شرط، نه تنها پسندیده که آن را حق زن و نادیده گرفتن آن را ظلم و ستم نابخشودنی می‌شمارند و طبیعی است که در این میان، زن مسلمان متحیر و بلا تکلیف خواهد ماند و به راستی حق با کدام گروه است؟ دیدگاه فقهای دین که متخصص امور دینی‌اند، چیست؛ آزادی مطلق یا محدودیت مطلق؟

همان‌گونه که اشاره شد به خاطر نو بودن مسئله، اندکی از فرزندان فقهی مکتب اهل البیت (ع) در این عرصه نظر روشن و وافی داده‌اند. به‌ویژه فقهای قرن‌های گذشته که به حق استوانه‌های فقه امامیه‌اند، در این موضوع اظهار نظر نکرده‌اند و یا نویسنده نتوانست به آن‌ها دست یابد.

سید محمدحسین فضل‌الله عالم برجسته لبنانی در این که فعالیت و مشارکت زنان چه حکمی دارد، می‌گوید: «ارزش‌های اسلامی به لحاظ فکری و علمی، برای زن و مرد برابر است، اگر برخی از شرایط اخلاقی برای کار و فعالیت زن و کار مطرح می‌شود، این شرایط برای مرد هم هست، بین کار زن و مرد تفاوتی نیست و کار هر دو باید مطابق خطوط ترسیمی اخلاق اسلامی باشد، هنگامی که زن در جامعه عملاً به ارزش‌های اخلاقی پای‌بند باشد، می‌تواند به هر فعالیتی که مردان انجام می‌دهند، اقدام کند؛ زیرا خداوند هیچ کاری را در هیچ بُعدی حرام نکرده است، مگر آن که کار از راه مستقیم منحرف شده باشد» (فضل‌الله، ۱۳۸۹: ۴۴). این دیدگاه از یک دین‌شناس و در فضایی که تنوع

مذاهب و آراء در آن وجود دارد، متین و قابل قبول است. بنابراین، با توجه به نظریات فقهایی که اشاره شد؛ حضور زنان در مجامع عمومی و علمی و شغلی که برای مردان حلال است، بدون هیچ تفاوتی برای بانوان نیز حلال و با حفظ حجاب و رعایت قوانین شرعی و اخلاقی مجاز و منع شرعی ندارد.

در تصویر شماره (۴) نیز نقش پررنگ زن در مسائل نظامی و سیاسی در نگاره‌های مکتب تبریز صفوی ترسیم شده است. در دوره حکومت جمشیدشاه در زابلستان، شاهی به نام کورنگ داشت و او دختری زیبا آشنا به فنون جنگی داشت که نامش سمن‌ناز بود.



تصویر شماره ۴. نگاره جمشید شاه و سمن‌ناز (شاهنامه ۹۴۸ ه. ق، کتابخانه ملی)

به نظر می‌رسد دیدگاه عالمان معاصر اهل سنت در این عرصه به دو گرایش سخت‌گیرانه و میانه قابل تقسیم است؛ گروهی با مرکزیت عربستان (سلفی و وهابی) و آن‌هایی که به نوعی تأثیرپذیر از این مرکزند، راه تفریط را رفته‌اند و به نوعی اندیشه محدودیت را برای زنان قائلند؛ در مقابل گروهی با مرکزیت مصر و شیوخ جامعه‌الأظهر به نوعی مسیر میانه را می‌پیمایند. از این رو ایجاب می‌کند که این دو رویکرد، جداگانه مورد بررسی قرار گیرد تا نتیجه بحث روشن و ملموس‌تر باشد.

در این رویکرد محدودیت زن، ارزش و پسندیده محسوب می‌شود. آنجا که مفتی عربستان، اولاً مشارکت زن را در کنار مرد، یک خطر جدی شمرده و آن را اختلاط میان زن و مرد می‌داند و پیامد این مشارکت را تلخ و وخیم و برخلاف دستورات اسلام که همان ماندن در درون خانه‌ها و رسیدگی به امور مخصوص خانه است می‌شمارد. ثانیاً خروج زنان از خانه‌ها و وارد شدن آنان در محیط کاری مردان را جنایت بزرگ در حق زنان دانسته و خارج کردن زن را از طبیعت و فطرتی که دارد، قلمداد می‌کند؛ زیرا کسب درآمد و وظیفه مردان است و بر مردان است که مصارف آن‌ها را فراهم آورده و زن وظیفه دارد به تربیت اولاد و عطوفت و دلسوزی و نگهداری و کارهایی که مخصوص بانوان است بپردازند!

ثالثاً؛ براساس دستور خداوند: «وقرن فی بیوتکنّ و لاتبرجن...» (احزاب/۳۳). زن‌ها باید در درون خانه‌ها بمانند و از اینکه همانند زنان جاهلی عمل کنند، بازداشته شده‌اند و خارج شدن زنان را از منزل سبب اختلاط محرم و نامحرم می‌شمارد و اختلاط را عبارت می‌داند از اجتماع کردن زنان و مردان اجنبی در یک مکان جهت کار یا خرید و فروش یا تفریح و سفر و ... که همه از نظر قرآن و سنت حرام است، در نتیجه وارد شدن زنان در حوزه کاری مردان، حرام و خلاف شرع است. رابعاً؛ بی‌تردید، وقتی زن وارد عرصه کاری مردان شود، زن با مرد و مرد با زن سخن و ارتباط کلامی برقرار می‌کنند و صدای زن نازک و فریبنده است و شیطان در کمین، در نتیجه منجر به فحشا خواهد شد و این که زن‌ها در صدر اسلام در جنگ شرکت و مسافرت می‌کردند، باید گفت: اولاً زنان با محارم خویش بودند؛ براساس مصلحت از منزل خارج می‌شدند. ثانیاً آن‌ها تقوا داشتند (بن باز عبدالعزیز بن عبدالله، ۱۴۱۱ق: ۱/ ۴۲۲-۴۲۷).

قرضاوی مفتی و شیخ‌الآظهر مصر، در پاسخ به این که در اثر مشارکت زنان در اجتماع، هم‌کلام شدن مرد با زن و بالعکس صورت می‌گیرد، چه حکمی دارد؟ «می‌گوید در حدیثی آمده که «الحیاء من الایمان» و حیا صفت پسندیده است برای همه به‌ویژه برای بانوان و این ویژگی می‌رساند که نباید زن با مرد اجنبی هم‌کلام شود، ولی آن چه مهم است، این است که شرع، مانع سخن گفتن زن و مرد در صورت نیاز در چارچوب شرع نشده است و آیه «یا نساء النبیّ لسئنن کأحد من النساء إن اتقیتنّ فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً» (احزاب/۳۲) مخصوص زنان رسول خدا است که آنها نیز از سخن گفتن با مرد منع نشده بودند، بلکه از سخن گفتن مخصوص (با صوت نازک) منع شدند و به‌ویژه در شرایط امروز سخن گفتن با مرد امر رایج محسوب می‌گردد (قرضاوی، بی‌تا: ۳/ ۵۷۴).

۳،۳،۵. مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی

حضور زنان در امور سیاسی و تعیین سرنوشت و یا شرکت در انتخابات و نامزد شدن، یکی دیگر از اموری است که بحث‌های جدی و زنده روز را تشکیل می‌دهد. بسیاری اسلام و دین را متهم می‌کند که به زنان جامعه اهمیت ن داده و حقوقی سیاسی آنان را پامال می‌کنند؛ گروهی دیگر بی‌پروا و بدون هیچ قید و شرطی زن را شایسته اداره امور سیاسی می‌پندارند، اما این که دیدگاه فقها و اسلام‌شناسان در این میان چیست، می‌طلبد که نظریات هر کدام از دو مکتب اهل سنت و شیعه را جداگانه جویا شویم. هر چند فقهای گذشته در این باب، اظهار نظر واضح نکرده‌اند، فقهای معاصر نیز تا مورد پرسش و استفتاء واقع نشوند، اظهار نظر نمی‌کنند، ولی به همان مقدار که در این خصوص دست‌یافتنی بود، اشاره و بسنده می‌گردد.

امام خمینی که معمار و طراح مشارکت‌های همه‌اشار در امور سیاسی است، در مورد مشارکت سیاسی زنان در پاسخ این سوال که: «زنان توده عظیمی از مسلمانان را تشکیل می‌دهند، چه نقشی و چه حقی شما برای زن در نظام اسلامی قائل هستید؟» می‌گوید: «... در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لیکن در مرد هم مواردی هست چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل این که

مفسده می‌آفریند، حرام است، اسلام خواسته است زن و مرد، حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد، اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد...» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵/۱۸۹).

همان‌گونه که گذشت به‌نظر می‌رسد دیدگاه دانشمندان اهل سنت در مورد مشارکت زن در عرصه سیاسی به دو نگرش کل قابل بررسی است؛ نگرش نخست که از عربستان و اندیشه فرقه وهابیت آب می‌خورد؛ به‌طور کلی با خارج شدن زن از منزل مخالف است و وارد شدن بانوان در فضای کاری مردان را جنایت بزرگ می‌شمارد (بن باز، ۱۴۱۱ق: ۴۲۲/۱) و طبیعی است که حضور زن در اجتماعات سیاسی، ارتباط و تعامل فکری، کلامی و ... با مردان را می‌طلبد و تردید نیست که از نگاه این گروه، این کار نوعی اختلاط مرد با زن است و این حضور نه تنها خدمت نیست که بزرگ‌ترین وسایل وقوع فحشا است و بر اساس آیه شریفه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَ...» و حدیث نبوی «ما رجل و إمراه إلا كان الشيطان ثالثهما» و این که زن عورت است (صقر، ۲۰۰۶: ۲۸۴) در نتیجه حضور زن در امور سیاسی ممنوع است.

۴. کرامت زن و جایگاه او در حقوق موضوعه ایران

جایگاه و حقوق زنان در قانون به‌ویژه قوانین عادی، از جمله مباحث مهمی است که همواره توجه محافل علمی و متولیان جامعه را به خود معطوف داشته است. طبیعت این مباحث نیز اقتضا می‌کند که دیدگاه‌های مختلفی مطرح شود و این چنین است که پرونده این دست مباحث همواره گشوده است. این نوشتار در پی آن است که نشان دهد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین قوانین موضوعه جاری بر پایه چه تصویری از زن فراهم آمده است. آیا زن و مرد را دو موجود مستقل و برخوردار از هویت انسانی مشترک دیده‌اند که هر یک حقوق، وظایف و خاستگاه اجتماعی و خانوادگی برابر با دیگری دارد؟ یا اصالت را به یکی داده و با نابرابری‌های انسان‌شناختی و حقوقی تدوین شده است؟ به سخن دیگر، تلاش می‌شود گزارشی از این دو قانون در مسئله زن ارائه گردد و سپس به تحلیل آن‌ها پرداخته شود. بر همین اساس مطالب این نوشته در دو قسمت عرضه می‌گردد، یکی زن در قانون اساسی و دیگری زن در قوانین موضوعه.

۴.۱. زن در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی، زن و خانواده در اصول متعددی مورد توجه قرار گرفته و بر برابری حقوقی و جایگاه بلند انسانی آنان تأکید شده است. این موارد عبارت است از:

۴.۲. تساوی زن و مرد در قانون اساسی

قانون اساسی در اصول متعدد به مسئله تساوی حقوق زن و مرد پرداخته و دولت را مسئول تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون می‌داند و هرگونه تبعیض و

عدم تساوی بر مبنای جنسیت را که در واقع ایجادکننده زمینه بروز خشونت با تمام اشکالش علیه زن می‌باشد نفی می‌کند.

اصل سوم قانون اساسی، از اصولی است که حقوق برابری را صرف نظر از جنسیت برای افراد جامعه بر عهده دولت نهاده است و مقرر می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی؛
۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر؛
۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی؛
۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛

۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛

۶. محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛

۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛

۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش؛

۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

بدین ترتیب، اصل سوم قانون اساسی بدون تأکید بر لفظ تساوی و برابری، دولت را موظف به ایجاد امکانات لازم آموزشی، رفاهی و امنیتی برای عموم بدون تبعیض جنسیتی کرده، به‌طور ضمنی اصل مساوات را برای بهره‌وری از امکانات پذیرفته است.

مکمل بند اصل ۳ اصل ۳ در زمینه تساوی زن و مرد در برخورداری از آموزش و پرورش، اصل ۳۰ می‌باشد که مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خود کفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». بند ۱۴ از اصل ۳، تأمین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد را صریحاً مورد توجه قرار می‌دهد و بر ضرورت تساوی افراد اعم از زن و مرد در برابر قانون تأکید می‌کند. بند ۸ این اصل نیز بر ضرورت حق مشارکت عامه مردم اعم از زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش تأکید می‌کند.

۳ ۴. زن در سایر قوانین موضوعه

قوانین موضوعه در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر پایه فقه امامیه اصلاح یا تدوین شده است. در این مدت تعدیل‌هایی در حمایت از زنان و خانواده به انجام رسیده که شایسته تحسین است مانند:

- ۱- قانون عائله‌مندی که بر اساس آن زنان مطلقه یا بیوه و یا زنانی که همسر از کار افتاده دارند، حق عائله‌مندی دریافت می‌کنند (قانون نظام هم‌هانگ پرداخت، مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳)؛
 - ۲- قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست (مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ و مرداد ۱۳۷۴)؛
 - ۳- امکان طلاق از جانب زن با شرط ضمن عقد (قانون مدنی، ماده ۱۱۱۹)؛
 - ۴- ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به زنان (قانون کار، ماده ۷۵، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - ۵- ممنوعیت کار شب برای زنان (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - ۶- ممنوعیت کار برای زنان باردار از ۶ هفته قبل از زایمان تا ۴ هفته بعد از آن (قانون کار، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - ۷- پیش‌بینی جمعا ۹۰ روز مرخصی با حقوق برای دوران بارداری و زایمان زنان (قانون کار، ماده ۷۶، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹)؛
 - ۸- پرداخت دستمزد مساوی برای زنان و مردان در صورت انجام کار مساوی در شرایط مساوی (قانون کار، ماده ۳۸، مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹) و نمونه‌های فراوان دیگر.
- با این همه هنوز مواردی از قوانین موضوعه؛ با پرسش و سؤال مواجه است؛ چراکه بر حسب ظاهر و در نگاه اولیه متضمن نوعی نابرابری در توزیع حقوق است. برخی از این موارد از این قرار است:

۴.۴. نابرابری در سهم ارث

در صورت نبودن هیچ وارث دیگر به غیر از زوج یا زوجه شوهر تمام ترکه زن متوفای خود را می‌برد و لیکن زن فقط نصیب خود را و بقیه ترکه شوهر در حکم اشخاص بلاوارث و تابع ماده ۸۶۶ خواهد بود (قانون مدنی، ماده ۹۴۹).

۴.۵. اقامتگاه

اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۵). این ماده با توجه به تعریفی که قانون‌گذار از اقامتگاه ارائه کرده قابل تأمل است: اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است (قانون مدنی، ماده ۱۰۰۲).

نتیجه‌گیری

دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین ادیان ابراهیمی، رسالت خود را در تقویت بنیان خانواده و ارتقای جایگاه زن در خانواده و جامعه اسلامی به‌جا می‌آورد. قرآن کتاب مقدس مسلمانان در آیات بسیاری به کرامت زن و حفظ احترام او در خانواده

و جامعه تأکید فراوان دارد. پیامبر عظیم الشان اسلام، خاتم الرسل نیز در سخنان گهربار خود به حفظ کرامت زن در جامعه به پیروی از کتاب و سنت همواره زن را بنیان خانواده و رکن اجتماعات مدنی معرفی می نماید. لذا فرقه های اسلامی با پیروی از آموزه های کتاب و سنت همواره زن را یکی از اصول ذاتی جامعه می دانند؛ هر چند که در این میان، گاه دیدگاه های سختگیرانه ای نسبت به حضور زن در اجتماعات، به کارگیری زن در امور حکومتی و دولتی و سایر مشاغل آزاد مشاهده می شوند لیکن امروزه به دلیل تحول جامعه و پیشروی به سمت یکسان سازی حقوق زن و مرد، عمده فقهای معاصر مذاهب حضور زن را در اجتماع پذیرفته اند.

اما در آن سو، برخی از دیدگاه ها، زن را مانند کالایی محبوس در دید مرد پنداشته و او را مطیع تمام و کمال مرد و فاقد قدرت انتخاب و تصمیم گیری می دانند. در برخی از کشورهای اسلامی شوربختانه این دیدگاه، غالب می باشد. بررسی نگاره های مکتب تبریز مربوط دوره صفوی نیز حاکی از حضور زنان در برخی مراسم ها و مواقع خاص است و این دیدگاه ارتباط مستقیمی با آموزه های مذهبی و رواج آن ها در جامعه ایران دوره صفوی دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتابها

- ابن قدامه، عبدالرحمن. (بی تا). الشرح الكبير. جلد ۲، بیروت: دارالعربی.
- ابن قدامه، عبدالله. (بی تا). المغنی. تحقیق: جماعه من العلماء، جلد ۲، بیروت: دارلکتاب العربی.
- امام خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه آثار). جلد ۵، چاپ چهارم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰ ق). صحیح البخاری. جلد ۲ و ۶، بیروت: دارالفکر.
- بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله. (۱۴۱۱ ق). مجموع الفتاوی و مقالات متنوعه. جلد ۱، الطبعة الثانية، عربستان: الإدارة العامه للطبع و النشر.
- الجزیری. (۱۴۱۹ ق). الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت (ع). جلد ۱، بیروت: دارالثقلین.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۳۳۳ ق). منتهی المطلب، جلد ۱، ناشر: حاج احمد.
- حلی، علامه. (۱۴۱۴ ق). تذکره الفقهاء. جلد ۴، الطبعة الاولى، قم: مؤسسه آل البيت.
- شهید اول. (۱۲۷۲). ذکرى الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- شیخ طوسی. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. جلد ۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- الصاغر جی، اسعد محمد سعید. (۱۴۲۶ ق). الفقه الحنفی و ادلته، جلد ۱، الطبعة الرابعة، بیروت: دارالکلم.
- صقر، عطیه. (۲۰۰۶ م). فتاوی و احکام للمرأة المسلمه. الطبعة الثالثة، بیروت: دارالحکم.
- عجلونی، اسماعیل بن محمد. (۱۴۰۸). کشف الخفاء و مزیل اللیاس. جلد ۲، الطبعة الثانية، بی جا: دارالکتب العلمیه.
- غرناطی، محمد بن احمد بن جزی. (۱۴۲۳). القوانین الفقهیه فی تلخیص المالکیه و التنبییه علی المذهب الشافعی. تحقیق: عبدالکریم الفضیلی، بیروت: المکتبه العصریه.
- غزالی. (۱۴۲۶ ق). الوجیزه فی الفقه الإمام الشافعی. بی جا: المکتبه الصریه.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۳۸۹). زن از نگاه دیگر. ترجمه: مجید مرادی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).
- فیاض، شیخ محمد اسحاق. (۱۴۲۸ ق). نموذج لمجموعه اسئله حول موقع المرأة فی النظام الاسلامی السیاسی. الطبعة الرابعة، بی جا: بی نا.
- الفیاض، محمد اسحق. (بی تا). منهاج الصالحین، جلد ۱، الطبعة الولی، قم: مکتبه معظم له.
- قرضاوی، یوسف. (بی تا). من هدی الاسلام فتاوی المعاصره، جلد ۳، الطبعة الثالثة، قاهره: دارالقلم.
- القشیری، مسلم. (۱۴۰۷ ق). صحیح مسلم بشرح النووی. الطبعة الثانية، بیروت: دارالکتب العربی.

پایان نامه ها

- دادخواه، بهاره. (۱۳۹۶). «بررسی شمایل شناسی نگاره گلنار و اردشیر از شاهنامه بایسنقری و تطبیق آن با نگاره ها مشابه در مکتب هرات و تبریز دوم»، پایان نامه ارشد، رشته هنرهای تصویری، دانشگاه سپهر.